



یادداشت

بازداشت زنان گیلانی نشانه اقتدار نیست، نشانه استیصال است

صادق کار



در ۲۵ مرداد نیروهای سرکوبگر اطلاعاتی رژیم در یورشهای از پیش سازمانیافته که در رشت و چند شهر دیگر گیلان انجام دادند، حداقل ۱۲ تن از فعالین اجتماعی و مدنی مبارز و مترقی را که از حامیان جنبش زن، زندگی، آزادی و فعالان جنبش زنان هستند بازداشت و سپس زندانی کردند. بازداشت زنان مبارز و آزاده گیلانی و بازداشتهای دیگر ظاهراً برای ارباب بقیه و نشان دادن اقتدار رژیم صورت گرفته، با این همه، نشانه ضعف و درماندگی و استیصال در سرکوب جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و تداوم مبارزات شجاعانه زنان حق طلب ایران است.

بر اساس گزارشهای منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی در این یورشهای گشتاپو وار: جلوه جواهری فعال حقوق زنان ساکن رشت، متین یزدانی فعال حقوق زنان و شاعر ساکن رشت، فروغ سمیع‌نیا فعال حقوق زنان ساکن رشت، یاسمین حشدری، فعال حقوق زنان و شاعر ساکن انزلی، شیوا شاه‌سیا گرافیست ساکن لاهیجان، زهرا و زهره دادرسی، نگین رضایی، و چند تن دیگر بازداشت و شمار بازداشت شدگان به ۱۳ تن رسید.

یک روز بعد از این یورش علی خامنه‌ای در ملاقاتی که با سرگردگان ارشد دستگاه سرکوب رژیم داشت «مدعی شد "مخالفتی با انتقاد ندارد

ملاقات خامنه‌ای با "اعضای مجمع عالی فرماندهان سپاه پاسداران" و حرفهایی که برای آنها گفت در واقع بی ارتباط با مناسبت سالگرد جنبش زن، زندگی، آزادی و دادن روحیه به آنان برای رودر رویی‌های آتی با مردم نبود.

خامنه‌ای این بار نیز مشابه همان چرندیات پیشین خود در مورد جنبش را بر زبان راند و برای توجیه سرکوب جنایتکارانه جنبش و تشویق فرماندهان دستگاه سرکوب خود به سرکوب بیشتر، اتهامات جعلی اطلاعات گیلان را که خو او در سخنرانی‌های قبلی اش گفته بود تکرار کرد.

با این همه اتهامات سرکرده جنایتکاران به مبارزان جنبش به قدری بی اعتبار و تکراری است که بعید است حتی همه ی فرماندهان حاضر در جلسه آنقدر کودن باشند که حرفهای خامنه‌ای را باور کرده باشند و علت واقعی اتهامات و احضار دسته جمعی خود پس از سه سال وقفه و دلیل تجلیل خامنه‌ای از خود در جلسه را نفهمیده باشند. تکرار پیاپی اتهامات پیشین هیچ علت دیگری غیر از این نمی تواند داشته باشد که در جامعه و حتی در میان فرماندهان ارشد دستگاه سرکوب به علت جعلی بودن اتهامات اثر نکرده است.



اتهام بازداشت شدگان گیلان نیز، کم و بیش مشابه اتهامات ساختگی همیشگی امثال، عامل بیگانه، اغتشاشگر، آشوبگر و غیره است. یک روز بعد از بازداشتها، اداره کل اطلاعات گیلان بازداشت ۱۲ نفر در موج اول یورشها را تأیید کرد و بازداشت شدگان را که در میان مردم محبوب هستند و به درستکاری معروف اند، بصورت کیلویی متهم به "برنامه ریزی و اقدام برای دامن زدن به آشوب و خرابکاری..." در سالگرد انقلاب ژیلان در گیلان و کردستان کرد. با این وصف مردم گوش هایشان از این اتهامات کلیشه‌ای تکراری سخیف آنقدر پر شده که هیچ کدام از آنها را باور ندارند. این بازداشتها در عمل موجب محبوبیت و نفوذ و اعتبار و حقانیت بازداشت شدگان در میان مردم و خشم و نفرت بیشتر از رژیم می شود.

یورشهای ۲۵ مرداد در ادامه ی موجی از یورشها و سرکوبهای بی وقفه‌ای است که از زمان شروع انقلاب ژیلان تا کنون ادامه داشته و با نزدیک شدن جنبش انقلابی به یکمین سالگرد خود ابعاد آن گسترده تر شده است.

انبوه گزارشاتی که در چند هفته اخیر از بازداشتها و اعمال مجازاتهای مختلف از اخراج و تعلیق دانشجویان و بازداشت معلمان گرفته تا تهدید مبارزان و زندانیان سیاسی و مدنی و بازداشت عده زیادی از جوانان مبارز و آزاده و زنانی که همچنان علیه حجاب اجباری در حال پیکاری خستگی ناپذیر با استبداد و ارتجاع حاکم هستند را شامل می شود. طرح یواشکی لایحه حجاب اجباری، تهدیدات مکرر مردم توسط پاسداران و ارسال برحذرباش های متعدد برای ممانعت از اعتصابات و اعتراضات در آستانه سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی، بخشی از اقدامات رژیم برای جلوگیری از برگزاری سالگرد جنبش هستند.

تشدید اقدامات سرکوبگرانه همه جانبه در آستانه سالگرد انقلاب ژیلان و اغتشاش خواندن آن همراه با ادعای مکرر فرماندهان دستگاه سرکوب، موید آن هستند که جنبش مترقی و مردمی زن، زندگی، آزادی به رغم همه ی اقدامات سرکوبگرانه شبه فاشیستی، چنان در میان جامعه تشنه تغییر ریشه دواندیده و چنان تغییرات شگرفی در فرهنگ و روحیه و نگرش مردم کشور ما بوجود آورده که هیچ کدام از اقدامات تاکنونی رژیم نتوانسته و نمی تواند اثرات آنرا زایل و راه پیشرفت اش را مسدود نماید. علی خامنه‌ای و مزدوران وی که خود این را خوب درک کرده‌اند، بیهوده می کوشند، با نسبت دادن اتهامات ساختگی و بازداشت مبارزان جنبش مهر پایان بر پردوامترین و مترقی ترین جنبش انقلابی تاریخ ایران بزنند. انقلاب اگر سرکوب و مرعوب شده بود رژیم نیازی به این همه بگیر و ببند نداشت.

انقلاب ژیلان هنوز نه همه ی ظرفیت خود را بروز داده است و نه از همه امکانات خود بهره گرفته است. جامعه ایران علاوه بر آزادی از نبود عدالت اجتماعی و تبعیض و نابرابری به شدت در رنج و عذاب است. مشکل و مطالبه زنان ایران نیز علاوه بر نفی حجاب اجباری، برابر حقوقی و امحا تبعیض جنسیتی در کل حوزه های جامعه، برقراری عدالت اجتماعی و رفاه را که مطالبه ده‌ها میلیون زن و در واقع اکثریت بزرگ جامعه است شامل می شود. توجه و طرح اینها در جامعه چنان ظرفیتی را می تواند خلق و به حرکت درآورد که هیچ رژیمی یارای پایداری در مقابل آن را نداشته باشد.

یکی از اقدامات مشترکی که بمناسبت سالگرد جنبش باید در همه جا از طرف هواداران و مبارزان جنبش در اولویت قرار بگیرد اعتراض به بازداشتها و طلب آزادی زندانیان سیاسی از جمله زنان آزاده گیلانی است.

از اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد و حقوق و سایر مطالبات سندیکایی حمایت کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!



کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر برنامه بین المللی برای محو کار کودک بخش پانزدهم

برنامه بین المللی برای محو کار کودک

ژان مانیئات



نتایج و توصیه ها 3

در این فصل یافته ها و نتایج اصلی تحقیق را ارائه می کنیم و سپس توصیه هایی را برای پیشبرد سیاست‌های مؤثر در ریشه کن کردن کار کودکان به دست می دهیم.

3.1. نتایج

برخی از یافته ها و نتایج اصلی این تحقیق توسط شواهد تجربی پشتیبانی می شوند و به نوبه خود مجموعه ای از نظرات سنتاً مطرح در باره کار کودکان را تأیید می کنند.

1) نرخ کار کودکان در برخی از کشورهای منطقه آمریکای لاتین، به رغم کاهش آن، همچنان بسیار بالا است: طبق گزارش جهانی سازمان بین المللی کار، زیر نام "حذف کار کودکان: هدفی در دسترس ما"، بین سال‌های 2000 و 2004، کار کودک در کل آمریکای لاتین، یعنی کار دختران و پسران 5 تا 14 ساله، به طور قابل توجهی کاهش یافته است. با این حال، این نرخ همچنان به ویژه در برخی از کشورها، و به طور کلی در منطقه، بسیار بالاست، به طوری که لازم است تلاش‌ها برای ریشه کنی این آفت تقویت شوند.

2) کار کودکان به طور مستقیم با فقر خانوار مرتبط است: کودکان شاغل، در اکثریت بزرگ خود، بخشی از خانوارهای فقیر، یعنی خانوارهای بدون درآمد کافی اند. برآوردهای انجام شده در تحقیق حاضر ارزش (نقدی یا منسوب) کار کودک را حذف کردند تا تصویر بهتری از وضعیت فقر خانوارها، که حداقل نیمی از دختران و پسران شاغل بین 5 تا 14 سال به آن تعلق دارند، بدون سهم کار کودک به دست آید. اکثریت این



خانوارها در فقر شدید به سر می برند و الزام کار کودک به واقع پاسخی به این موقعیت و نیاز به ایجاد درآمد برای خانوار است. این یعنی فقر به عنوان عامل تعیین کننده کار کودکان

در سطح کل (کشور)، نرخ کار کودکان با نرخ جهانی فقر بستگی مثبت دارد، به این معنا که گرایش (3) مسلط در کشورهای مختلف این است که نرخ بالای کار کودکان (5 تا 14 سال) با نرخ بالای فقر همراه است و بالعکس. از این قرار وضعیت (فقر) هم در سطح خانوار و هم در سطح کل اهالی یک کشور بازتولید می شود. در اینجا فقر هم به عنوان معلول ناکافی بودن درآمد و هم به معنای برآورده نشدن نیازهای اساسی (تقریبی، با توجه به شاخص فقر انسانی) در نظر گرفته شده است. پس یافته ای در سطح خانوار در سطح کل جامعه یا کشور نیز بازتولید می شود

اگرچه کار کودک موجد درآمدی برای خانوار است، اما با توجه به میزان افزایش درآمد حاصل از این کار، (4) برای خارج کردن خانوار از فقر کافی نیست و تنها بخش بسیار کوچکی از خانوارهای فقیر دارای کودک کار به "یمن" مشارکت کودکان در کار موفق به گذر از آستانه فقر می شوند، و باز تنها بخش بسیار کوچکی از این خانوارها موفق به عبور از "حد آسیب پذیری" می شود. این حد برابر 1.4 خط فقر تعیین شده است

کار کودک مطلقاً توفیقی در کاهش قابل توجه شاخصهای جهانی فقر نداشته است؛ این شاخصها با در (5) نظر گرفتن سهم کار کودک به عنوان بخشی از درآمد خانوار تنها تا چند درصد کاهش می یابند، و چنان که گفته شد، مستقل از میزان کار کودکان در این یا آن کشور، وجود فقر شدید و کلی در سطح ملی، با گستردگی کار کودکان همراه است. کار کودک راه حلی برای مشکل فقر نیست؛ نه در سطح خانوار، نه در سطح کشور، و نه در سطح جهانی

میزان حضور/ ثبت نام در مدرسه در کودکان کار محسوساً پائینتر است: کار کودکان امکان تحصیل آنان را (6) محدود می کند، و با توجه به این که آموزش یکی از عمده ترین ابزارهای غلبه بر فقر و گسست بین نسلی است، متعاقباً بر آنان در نیل به رشد کامل تأثیر منفی می گذارد

در سطح جهانی (در کشورها) نرخ کار کودکان با سرمایه گذاری سرانه برای تأمین اجتماعی و آموزش (7) ارتباط معکوس دارد: این رابطه معکوس نشاندهنده اهمیت سرمایه گذاری عمومی در بخش های اجتماعی و به ویژه در آموزش برای دستیابی به کاهش قابل توجه فقر است. باید در نظر داشت که کشورهای با سطح بالاتر سرمایه گذاری در امر آموزش، معمولاً سنت طولانیتری در تأمین هزینه های اجتماعی بالاتر دارند. پایین بودن نرخ کار کودکان در این قبیل کشورها فرد را به این نتیجه می رساند که برای کاهش کار کودک، نه تنها سطوح بالاتری از سرمایه گذاری ضرور است، بلکه پایداری این سرمایه گذاری در میان مدت و بلندمدت نیز ضرور است

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!



مانع تراشی تازه مجلس ارتجاع بر سر راه بیمه کارگران ساختمانی

صادق



طرح بیمه کارگران ساختمانی با دست انداز تازه‌ای در مجلس مواجه شده است. مجلس پس از قریب سه سال سردواندن صدها هزار کارگر ساختمانی فاقد بیمه به بهانه تامین منابع و بودجه با تغییر قانون بر سر راه بیمه‌شدن صدها هزار کارگر ساختمانی، مانع تازه‌ای ایجاد کرد.

منبع اصلی تامین بودجه بیمه کارگران کسر ۷ درصد از مزد کارگران و ۲۰ درصد سهم کارفرما و ۳ درصد سهم دولت است. دولت البته مدتی است از پرداخت منظم سهم خود طفره می‌رود و مبلغ کلانی از این بابت نیز بدهکار به صندوق تامین اجتماعی است.

طبعاً منابع بیمه کارگران ساختمانی نیز می‌باید مانند سایر بیمه‌شدگان تامین شود. قبلاً سهم بیمه کارفرما را شهرداری‌ها هنگام صدور مجوز برای ساختمان دریافت می‌کردند. سهم ۷ درصدی کارگران هم از دستمزد آنها کسر می‌شد. دولت هم می‌بایست سهم خود را می‌داد. اما از آنجا که برج‌سازان و شرکت‌های ساختمانی از بابت بیمه کردن کارگران خود ناراحت بودند، با لابی‌گری با مقامات دولتی و مجلس سعی می‌کردند مانع سر راه بیمه کردن کارگران بوجود آورند. فشارها و لابی‌گری‌های کارفرمایان بخش ساختمان قبلاً باعث بوجود آمدن تغییراتی در قانون بیمه کارگران ساختمانی شد. با این حال تغییرات انجام شده موجب رضایت کارفرمایان واقع نشد و مجلس اجرای بند ۵ قانون را که ناظر بر چگونگی تامین منابع بیمه کارگران ساختمانی بود مدتی پیش برای دو سال به حالت تعلیق درآورد.

بهانه تازه نمایندگان این بار بالا رفتن قیمت مسکن و هزینه ساخت و ساز است. یعنی آنها همه عوامل گران شدن خانه را رها کرده و چسبیده‌اند به حق بیمه کارفرمایان و برج‌سازان که در واقع گفته می‌شود سهم بیمه آنها از قیمت تمام شده ساختمان نیم درصد بیشتر نیست. تصمیم مجلس با واکنش‌های اعتراضی تعدادی از انجمن‌های صنفی ساختمانی مواجه شده است.

محمدرضا داوری (رئیس انجمن کارگران خراسان رضوی) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به افزایش تعداد کارگران ساختمانی که از بیمه اجتماعی محروم هستند، گفت: از تعداد ۹۵۰ هزار بیمه‌شده در سال ۹۸ اکنون به ۶۵۰ هزار بیمه‌شده رسیده‌ایم. بیمه ۳۰۰ هزار کارگر ساختمانی طی این مدت قطع شده و حدود ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی سال‌هاست که در نوبت بیمه هستند... ناکافی بودن منابع موضوع ماده ۵ بیمه



کارگران ساختمانی سبب شده تامین اجتماعی قانون را زیرپا بگذارد؛ یعنی هم از بیمه‌ی کارگران «ساختمانی خودداری کند و هم با سختگیری‌های بی‌مورد کارگران بسیاری را از بیمه اجتماعی محروم کند

در واقع هر کارگر و اصولاً غیر کارگری باید از بیمه و تامین اجتماعی بعنوان یک حق برخوردار باشد. کارگران ساختمانی نیز بعنوان یکی از زحمتکش‌ترین گروه‌های کارگری باید از این حق برخوردار شوند. به خصوص اینکه کار ساختمانی از لحاظ حوادث و آسیب‌های شغلی مطابق داده‌های رسمی پر مخاطره‌ترین شغل در ایران است.

البته از اول هم مشخص بود از مجلس ارتجاع که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آن خود یا کارفرما هستند و یا لابی‌های کارفرمایان، نباید توقعی غیر از این داشت. در این مجلس نیز به مانند مجالس پیشین نه تنها هیچ قانونی در جهت بهتر شدن حقوق کارگر و مردمان محروم و زحمتکش از تصویب نگذشته و نخواهد گذشت، بلکه خلاف آن انجام شده و خواهد شد.

برخورد مجلس منحصر به بیمه کارگران ساختمانی نیست در هر موردی که پای حقوق کارگر در میان باشد قضیه به مانند برخورد با کارگران ساختمانی است.

الان چند سال است که طرح تغییر قراردادهای کارگران پیمانی و شرکتی در مجلس مطرح است و مجلس همان برخوردی را با آن کرده و می‌کند که با بیمه کارگران ساختمانی کرده است. مسئولین تشکلهای فرمایشی نیز در این میان نقش سوپاپ‌های اطمینان رژیم و کارفرمایان را به عهده دارند تا با دادن وعده‌ها توهم‌زا و بیان انتقادات سطحی از طغیان و انفجار کارگران جلوگیری کنند.

در بحث افزایش دستمزد هم روند مشابه‌ای را شاهد بوده‌ایم.

اصولاً دفاع از حق و حقوق هر گروه و طبقه‌ای در جامعه در دو صورت میسر می‌باشد. طریق اول داشتن اکثریت در مجلس و دیگر نهادهای قدرت است. طریق دوم داشتن تشکل نیرومند و مستقل و متعهد است.

کارگران و زحمتکش‌شان نه در نهادهای قدرت هیچ حضوری دارند و نه از تشکیلات نیرومند برخوردارند.

حضور مردم در نهادهای قدرت مسلم است در رژیم اسلامی محلی از اعراب ندارد و رژیم اصولاً اجازه وارد شدن زحمتکش‌شان به نهادهای حکومتی خود را نمی‌دهد. بهمین جهت کارگران و زحمتکش‌شان فقط از طریق اتحاد و همبستگی و متحد شدن در تشکلهای سندیکایی و مدنی و فشار از بیرون و پایین جامعه است که می‌توانند از منافع و حقوق مشروع خود دفاع کنند.

کارگران شرکتهای پیمانکاری و کارگران ساختمانی نیز بدون متشکل کردن خود در تشکلهای مستقل در کشوری که همه نهادها و اهرم‌های قدرت در دست کارفرمایان و ثروتمندان و بقول یکی از کارگران ساختمانی تحت نفوذ باندهای مافیایی قرار دارند، نمی‌توانند به خواسته‌های خود برسند. از همین روی نباید گول تبلیغات عناصر سرسپرده‌ی تشکلهای فرمایشی امثال محبوب را خورد که با فریبکاری در تلاش هستند کارگران و بی‌چیز شدگان را به پای صندوق‌ها مجلس ارتجاعی که در دشمنی آن با حقوق کارگران ذره‌ای تردید وجود ندارد بکشانند.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



فرستادن کارگران دنبال نخود سیاه، بجای "ترمیم" دستمزدها!

صادق



وزیر کار رژیم فقهاتی اخیرا تقاضای تشکیل شورای عالی کار برای بحث در خصوص ترمیم دستمزد را که گفته می شود جزئی از مذاکره دستمزدی اسفند گذشته بوده است را رد کرد و بکلی منکر چنین چیزی شد.

صولتی که خود کارفرما و از موتلفه چپ های مال اندوزی است که اساسا خواهان بی قانونی در مناسبات کارفرمایی و کارگری ست و تا کنون نیز در این زمینه اقدامات زیادی انجام داده است، در واکنش به درخواست ترمیم دستمزد کارگران و بازنشستگان گفت، کارگران بروند با کارفرمایان بر سر دستمزدشان چانه زنی کنند.

او در حالی صحبت از مذاکره و چانه زنی می کند که قانون کار نیمه بندی را که با هزار و یک زحمت به تصویب رسیده، بر نمی تابد و به همراه بقیه صاحبان قدرت و ثروت شب و روز در تلاشند تا اثری از هر قانونی که کوچکترین حمایتی از حقوق کارگر در آن باشد باقی نگذارند. امتناع او از افزایش دستمزد مطابق ماده ۴۱ قانون کار و تحمیل زورمندانه آن در اسفند گذشته و پیش از آن تنها یک نمونه از تلاشهای وزیر کار رژیم برای برقراری بی قانونی است.

پیشنهاد مذاکره و چانه زنی میان کارگر و کارفرما البته بخودی خود حرف ناروایی نیست. اما نه در جمهوری اسلامی که هیچ یک از ملزومات آن فراهم نیست. در اغلب کشورها اصولا چانه زنی بر سر اختلافات کارگری و کار فرمایی از طریق مذاکرات میان اتحادیه های طرفین انجام می گیرد و در صورت توافق در قالب قراردادهای جمعی منعقد می شود. در صورت عدم توافق کارگران می توانند با استفاده از اعتصاب حرف خود را به کرسی بنشانند. حاصل توافق نیز نباید از کف پیشبینی شده در قانون کار کمتر باشد. طرفین نیز تا مدتی که در قرارداد آمده ملزم به رعایت قرار داد هستند.

در این گونه کشورها مقاوله نامه ها و کنوانسیون های سازمان بین المللی کار را رعایت می کنند و قانون کار نیز وضعیت نسبتا تثبیت شده ای دارد چانه زنی هم یک نرم معمول است.

چانه زنی بر سر دستمزد و شرایط کار و غیره مستلزم داشتن حقوق اتحادیه ای است. یعنی اینکه کارگر و کارفرما باید هر دو باید اتحادیه خاص خود را داشته باشند تا بتوانند با هم مذاکره و به چانه زنی بپردازند. در ایران اساسا حقوق سندیکایی کارگران برسمیت شناخته نشده و رژیم با سرکوب مانع از تشکیل اتحادیه



های کارگری می شود و هر جا هم تلاشی برای ایجاد تشکل واقعی و غیر دولتی به عمل آمده بانیان آن به زندان های طولانی و اخراج و انواع فشارهای دیگر محکوم شده اند. هم اکنون نیز ده ها تن از معلمان و کارگرانی که برای تشکیل اتحادیه تلاش و فعالیت کرده اند، در زندان هستند. حق اعتصاب هم که از الزامات حقوق سندیکایی و سامانه سه جانبه گرایی است وجود ندارد. شورای سه جانبه موجود نیز در عمل در بست دولتی- کارفرمایی است که به مصوبات خودش هم پایبند نمی ماند. قرارداد های سفید امضا و یک ماهه و سه ماهه و دادن حق اخراج یک طرفه کارگر به کارفرما و سرمایه دار بودن رئیس شورای عالی کار را به همه موارد ذکر شده اگر بیفزاییم، معلوم می شود که توصیه چانه زنی بین کارگر و کارفرما وزیر کار رژیم، بهانه و حرف مفتی بیش برای امتناع از ترمیم دستمزدها و فرستادن کارگران دنبال نخود سیاه نیست.

با این اوصاف می بینیم که اصولا نه امکانی برای چانه زنی بین کارگر و کارفرما در ایران وجود دارد و نه قانونی که به کارگر اجازه چانه زنی بدهد.

اما حرف نمایندگان تشکلهای حکومتی در شورای عالی کار نیز سفسطه و توجیهی بیش برای تسلیم طلبی شان در هنگام تصویب دستمزد کمتر از نیمی از تورم نیست. آنها مسلما می دانستند که نباید به قول و قرار وزیر کار که با بی شرمی تمام و کمال قانون را زیر پا لگد کوب کرده اعتماد می کردند. اما کردند چون اختیارشان در دست همان هایی بود که آنها را در سمت نمایندگی منسوب کرده اند. و اگر ریگی در کفش ندارند، چرا کپی توافق مزدی را منتشر نمی کنند تا معلوم شود حقیقت قضیه چیست؟

این پیشامد به هیچ وجه تازگی ندارد، ده ها سال از که هر سال به بهانه ای دستمزد کارگر کمتر از نرخ تورم "افزایش" یا در واقع کاهش داده می شود و بساط جنگ زرگری هم برای فریب کاری جریان دارد و سال به سال هم شکاف میان دستمزدها و هزینه های زندگی بیشتر و سفرها تهیتر و جمعیت به زیر خط فقر رانده شدگان بیشتر و جیب های سرمایه داران رانتی و وابسته به رژیم پرتتر می شود.

بعد از ده ها سال تجربه رنجبار دیگر باید برای همه ی زحمتکشان محرز شده باشد با وجود این رژیم سال به سال وضعیت معیشتی و شرایط کاری شان بدتر خواهد شد. زمان آن رسیده است که بین سقوط بیشتر به فقر و بی حقوقی و رها کردن خود از قید یک زندگی رنجبار یکی را انتخاب کنند. راه سومی به غیر از سازماندهی، اتحاد و مبارزه و همراهی و حمایت از جنبش انقلابی برای آزادی، برابری و عدالت اجتماع وجود ندارد.

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

در یک هفته ای اخیر از تاریخ بازداشت های گسترده ی شهروندان در کردستان در آستانه سالگرد قیام زینا ۲۱ تا ۲۷ مرداد ۱۴۰۲، دست کم ۲۳ شهروند در شهرهای مختلف کردستان ربوده شده اند

بهار احمدی ۲۱ مرداد سنندج - شیرزاد اسماعیل توانا ۲۲ مرداد بانه (کولبر) - سجاد محمدی عالی عالیبری ۲۲ مرداد اسلام آباد غرب (شاباد) - محسن دیوالی ۲۲ مرداد بانه (کولبر) - هادی رسولیان ۲۲ مرداد بانه (کولبر) - هوشیار قادری ۲۳ مرداد پیرانشهر - لقمان سخنور ۲۳ مرداد پیرانشهر - هیوا شهابنگ ۲۴ مرداد مهاباد - مامل شریفی ۲۴ مرداد مهاباد - ارسلان خیری ۲۴ مرداد مهاباد - هیوا راه نشین ۲۴ مرداد مهاباد - حسین محمودپور ۲۴ مرداد پیرانشهر - شیروان خضری ۲۵ مرداد اشنویه - ایوب میرزایی ۲۵ مرداد اشنویه -



شیرکو نصیری ۲۵ مرداد مهاباد - اشکان رسولی ۲۵ مرداد مهاباد- هدایت خسته ۲۵ مرداد مهاباد - حمزه قانع ۲۵ مرداد پیرانشهر- عمر حسینزاده ۲۵ مرداد پیرانشهر - فرمیسک بابایی ۲۶ مرداد پاوه- هیدی عبدالبخت ۲۶ مرداد اشنویه - نجمالدین عیسیزاده ۲۶ مرداد اشنویه و زیبا قلیچخانی ۲۶ مرداد بیجار



تجمع های اعتراضی هفتگی بازنشستگان کارگری همچنان در شهرهای مختلف ادامه دارد. امتناع دولت از رسیدگی به مطالبات بازنشستگان موجب افزایش خشم و تندتر شدن شعارهای بازنشستگان شده است. بخشی از شعارها مستقیماً علیه دولت و مجلس و کل حکومت است. استعفای دولت یکی از خواسته های اعتراضات بازنشستگان است، به غیر از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کارگران نیز هر هفته



تجمع برگزار می کنند. افزایش حقوق بازنشستگی، بیمه درمانی رایگان و اجرای بی کم و کاست همسان سازی حقوق ها، مطالبات اصلی همه ی گروه های بازنشستگی هستند.
تصویر بالا متعلق به تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان است.



فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

راهپیمایی و تجمع بازنشستگان شوش در اعتراض به وضعیت اسفبار و بد معیشتی، در اعتراض به فقر، در اعتراض به تبعیض و نابرابری

! نابود باد بندگی، زنده باد زندگی

یکشنبه/۲۹/مرداد/۱۴۰۲





اعتراضات پرستاران همچنان ادامه دارد، حقوق پائین، فشار کاری مضاعف به دلیل کمبود و عدم استخدام پرستار، اضافه کاری اجباری با حقوق ۱۶ هزار تومان در ساعت، از عواملی هستند که باعث نارضایتی شدید و مهاجرت پرستاران از کشور شده است. به گفته رئیس خانه پرستار طی یک سال اخیر ۲۵۰۰ پرستار مهاجرت کرده‌اند. به گفته او در حالی که نیاز به ۱۰۰ هزار پرستار وجود دارد، دولتی حاضر به استخدام ۵۰ هزار پرستار بیکار نیست. یکی دیگر از اعتراض پرستاران بکارگیری پرستاران با قراردادهای ۸۹ روزه و کار شرکتی با حقوق کم و سختی شرایط کاری است.

قیمت یک کیلو گوشت برابر با ۲۵ ساعت اضافه کار پرستاری!
اجرت اضافه کار پرستاران، ساعتی حدود ۱۶ هزار تومان است
قیمت یک کیلو گوشت برابر با ۲۵ ساعت اضافه کار پرستاری
محمدی (یک پرستار تهرانی) در تماس با خبرنگار ایلنا، از نرخ پایین اضافه کار پرستاران و سختی کار آنها انتقاد کرد

او با بیان اینکه «با توجه به کمبود نیروی پرستاری در کشور و مقاومت دولت در مقابل جذب نیرو به اندازه‌ی کافی، اضافه کار پرستاران در بسیاری از بیمارستان‌ها بیشتر اجباری‌ست و از قضا شبیه کار اجباری هم هست» گفت: اضافه کار اجباری پرستاران ساعتی حدود ۱۶ هزار تومان است

این پرستار افزود: اضافه کار در ساعات سخت نیمه شب و در اوج کار پرستار نیز همین قیمت است؛ در واقع پرستار با ۱۰۰ ساعت اضافه کار در ماه، ۲ میلیون تومان هم اجرت نمی‌گیرد

محمدی به گزارشی از ایلنا در روزهای گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر بخواهیم قیمت گوشت را با نرخ اضافه کار پرستاران کشور مقایسه کنیم، به نتایج دردناکی می‌رسیم؛ با اضافه کار ساعتی ۱۶ هزار تومان، قیمت یک کیلو گوشت برابر با ۲۵ ساعت اضافه کار پرستاری است یعنی یک پرستار باید ۲۵ ساعت اضافه کار بایستد تا بتواند یک کیلو گوشت بخرد! به عبارتی، چهار شیفت کامل اضافه کاری برای خرید یک کیلو گوشت



افزایش بیسوادی و بیسوادی مطلق
روزنامه جهان صنعت در گزارشی که این هفته منتشر کرد نوشت:



تبعات پاندمی بی سوادی مطلق

چند روز پیش معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در ارائه تازه‌ترین آمار از بازماندگان از تحصیل، این تعداد را ۱۶۰ هزار دانش‌آموز در مقطع ابتدایی بیان کرد؛ عدد و رقمی که اگرچه در سایر اخبار بیش از این هم ذکر شده، اما به نظر رقم بزرگی است. تازه این ۱۶۰ هزار نفر تنها برای مقطع ابتدایی است و ممکن است تعدادی هم باشند که هنوز شناسایی نشده‌اند. بنابراین طی دو سال اخیر شاید ۵۰ هزار دانش‌آموز به مدرسه بازگشتند یا به‌طور کلی از سن ابتدایی گذشتند. با این حال چنین آماري نشان‌دهنده عدم‌بگیری آموزش و پرورش برای بازگشت کودکان به مدرسه است. در این دو سال با اینکه وزیر آموزش و پرورش تغییر کرده، اما روند نابسامان وزارتخانه همانند گذشته بر یک پاشنه می‌چرخد برگرفته شده از گزارش روزنامه جهان صنعت

عمده‌ترین علت افزایش مداوم بازماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی و ترک تحصیل ۷۶۰ هزار نفر در مقاطع بالاتر، فقر، گران شدن روز افزون هزینه تحصیل و کمبود مدارس بویژه در مناطق محروم هستند.



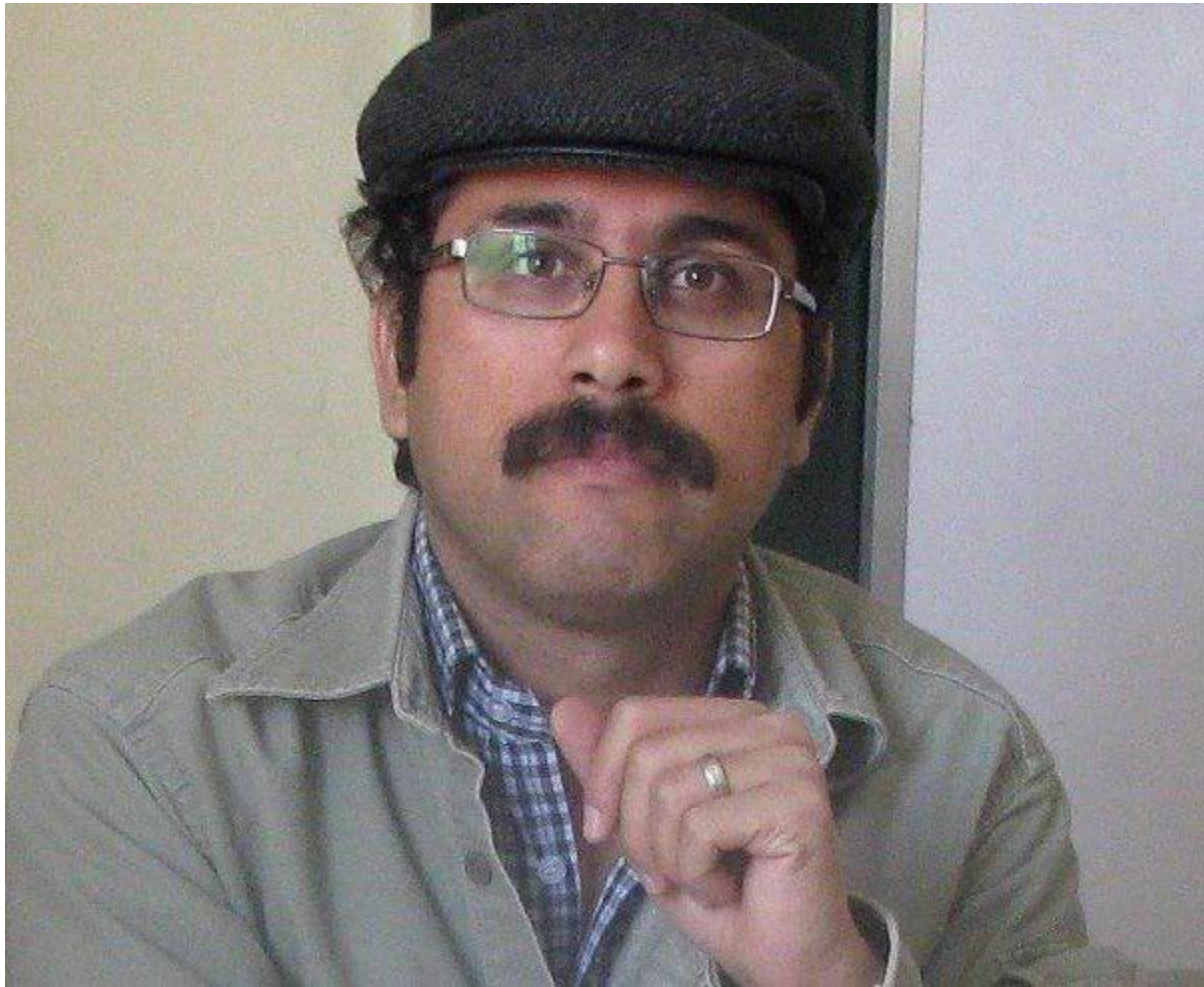
خودکشی یک کارگر دیگر پس از اخراج خودکشی در جامعه و بخصوص در میان کارگران اخراج شده و بیکار متأسفانه همچنان رو به افزایش است و بدبختانه جوری با فضا بر خورد می‌شود که انگار نه انگار که جان و انسانی قربانی روابط ظالمانه حاکم بر کشور شده است. تلاش مسئولین و مسیبان خودکشی‌ها تلاش می‌کنند جامعه را به آن عادت بدهند و حساسیت‌ها نسبت به این پدیده شوم را خنثی نمایند

کارگر اخراجی پالایشگاه آبادان به دلیل «فقر و بی‌پولی» خودکشی کرد به گفته خانواده این کارگر ۳۵ ساله، او به صورت روزمزدی در بخش تعمیرات پالایشگاه نفت آبادان کار می‌کرد و مدتی پیش اخراج شده بود

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی‌عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!



امتناع زندانبانان جنایتکار از معالجه جعفر ابراهیمی معلم زندانی در بیمارستان خارج از زندان جعفر ابراهیمی، معلم زندانی، به دلیل مشکلات گوارشی، در اثر عدم رسیدگی پزشکی تخصصی، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرده است. جعفر ابراهیمی، با وجود نامه پزشکی قانونی، همچنان در بند است. معلمان زندانی، همکاران شریفمان را آزاد کنید

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>